



## جوهره دین و شتابی بسوی تکمیل فرد!

مطلب ذیل گرفته شده است - از اثر فلسفی عرفانی: اراده قدرت ایمانی از: محمد آصف فقیری

کلمه شهادتین که توسط زبان بیان می شود که توسط سمع دریافت می گردد از همه کسان در الفاظ یکسان بوده اما ریشه و هسته این شهادتین در قلب و صدق قلب از همه کس یکسان نبوده از اینجاست که در فقدان یکسان نبودن قلب و زبان عالمی در عالم را تنوع فکری عقیدتی می باشد. و یاهم گفت هرکی قدر ظرفش یعنی استعداد دورنی خودش دریافت می کند. ولی هرکی باید خلوتی بین خودش و خدایش زیرا اگر فرد عمومی یا فرد اول کشور و یا هم وزیر و یا هر یکی از اشخاص فرد عمومی که در نهایت و غایت اعمالش به فردی خودش و غایت اعمال در پسا مرگ هم بخودش که برای تکمیل فردیت لازم های باید است. که تفسیر معتبر روح البیان گفته است: هرکی پیر ندارد پیر وی شیطان بود. اینجا پیر مکمل فیاض حق و وسیله برای وصل تا به جوهر حضور حق است. که در اوصاف و شناسی این طلسم تکامل بپردازیم کتابی جداگانه باید نوشت. اما شیطان با نیروی مکر و حيله در لباس یا جسم انسانی الخصوص در محرکه قدرت را چطور مهار کرد؟ البته تاسیس رابطه فردی فرد با خودش و خدا را در نظارت سیاسی بر افراد شخصی عمومی مقصد نیست. که دنیا و اسباب دنیا به اساس تجربه هم ناتوان تجزیه و تحلیل آن رابطه است که قصد مقصد از مهار اینجا خدمات عامه است که به نفع فردی شخصی تمام نشود. و جواب هم برای مهار کردن عبارت از: حاکمیت قانون و تفکیک قوا است و حکمت حاکمیت قانون در ارزش های اسلامی را در مقالات بنده که در اینترنت قابل دسترس می باشد نیز می توان مستفید شد.

### غزل در تنبیین نیت تام:

من نه من کنم!

در دوستی دوست، کز نطفه صدقم

از عشق معشوق، من عاشق پدیدم

چو جمله کوشش آید، زکشش او

موت را قبل موت، در تماشایش بینم

زنبور بی عسل، پای کوشش نسازد

رُخ گل تا عسل، از سوختن می ریزم

بی تمرکز عمل، بی جهت عزمست

کز فوق اراده او، هر طرف قبله ام

حقیقت وجود را، بیرون خود نیابد  
خود را محرم راز، چو اوست امام  
منم زمن جدا، که جمله در ما گفتاء  
بیشمار در کثرت، جوهر وحدتم  
منشاء ممکنات، در قیام فقیری  
تکبیر عشق کن، که لال شد زبانم

### - نتیجه یا عریان نیت:

نیت مقبول و مصفا از عالم امر یا وصل از ریشه ربوبیت حق، که تضاد آن منفوریت حق و نتیجه و غایت عمل ایده ها، عریان این مورد است. که نیت های گروه ها و نهضت ها در افغانستان چقدر مقبول و منفور حق بوده است؟ همه می دانند. اما اراده عمومی و نیت خیر آن، یعنی قانون و خرد جمعی روح قانون و اینکه قانون عینیت یافته جوهر عقل است و فارغ از قومی بودن یا سمتی بودن و یا به باور خاصی یا گروه نیست، که نگهداشت قانون با صفت بی طرفی آن و نیت خیر آن به نفع عمومی، نیازمند نظارت می باشد، پس شجاعت مدنی جان نظارت است.

### - شجاعت مدنی:

شجاعت مدنی یعنی اهداف قانون که بایستی به کرسی بنشینند. و آزادی فاقد خرد بردگی محض است، پس سطح آگاهی بلند افکار عمومی و نظارت اعمال مجریان قدرت که مطابق بر قانون است یا خیر توسط نمایندگان مردمی و نظارت مستقیم مردمی توسط رسانه های جمعی که همیشه در نظارت بودن و یا اندکی غفلت یا بی خبری و یا با خبرهای بی خرد رسمیت شناختن استبداد است.

### - معرفت علم:

مقصد از معرفت علم در علوم انسانی تولید فکری، از تحقیقات علماء و دانشمندان است، که بر تقویت و تعدیل قوانین بر حسب نیازمندی زمان ارایه داده می شود. یعنی افزایش مراکز تحقیق دانشگاهی ماشین توسعه بوده، که جان کلام دانشگاه تحقیق است. متأسفانه عده در دهن دروازه دانشگاه باهم مناقشه دارند، که پوهنتون گویند یا دانشگاه؟ که داخل آن هم تعمیر فاقد ماهیت دانشگاهی یعنی مدیریت و تحقیق بوده، مخصوص از دوره پسا داود خان تا کنون، که استاندارد سازی این ماشین معنوی توسعه را، در اولویت پیشرفت برای افغانستان دانست. فقدان کیفیت دانشگاه، بستر ترویج تحجر و قوم گرایی بوده و آنقدر بدور از لذت و قدرت علم هستیم هنوز، که ضرورت استاندارد سازی آن، درک نشده و سخن از تحقیق و پژوهش را پیش پا افتاده گرفته اند. حتی ژورنالیستان تحلیلگر را، که از تیوری دانش یعنی مقدمه سیر می کند بر هستی واقع شده، تا نتیجه مطلوب را ارایه دهد، با آگاهان سطحی سیاسی اشتباه گرفته اند. حتی عده از ژورنالیستان فاقد دانش عمیق عناصر خبری اند. مثلاً چرای از عمق فلسفی پدیده اقتضا دارد، و چگونگی سیر پدیده تا واقعیت یا در عمل جاری شدن را، که عناصر دیگر در پی نتایج پدیده می باید متمرکز شود. که البته از فقدان فرهنگ مطالعه در جامعه، چنین رسانه ها بعید نخواهد بود.

### - فضیلت دین:

دین انسان خلق نمی کند. بلکه برای آخرین و اشرف مخلوقات که خلق شده است رهنما می باشد. پس مخاطب دین جوهر روح و عقل است یعنی فضیلت دین در محصول فرد به نتایج اختراع استنتاج عمل صالح و اجتماع سالم و توسعه در همه ابعاد دنیایی و معنوی اخروی می باشد. که دین سیاسی فاقد انسان به مفهوم انسانی یا روح منور و عقل منکشف بوده و با روحیه دیو سیرتی ناقض حقوق بنیادین بشر شده و شکل ارزش یا ساختارهای ظواهر در اوج و فرسنگ ها دور از حکمت احکام دینی در دگماتیسم و پیش داوری محض جامعه را در سیر نزولی سوق داده است.



برای مطالب دیگر محمد آصف فقیری روی عکس کلیک کنید

